

شبکه‌های اجتماعی بدون آموزش‌های فرهنگی در دسترس است

شبکه‌های اجتماعی و سطحی‌سازی مخاطب



ملیحه زرین‌پور روزنامه‌نگار

این روزها شبکه‌های اجتماعی به رکنی اساسی در زندگی اجتماعی ما بدل شده است، آنقدر که خیلی‌ها در این فضا کار می‌کنند و خیلی‌ها ارتباطات فامیلی و دوستانه‌شان را به آن منتقل کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی شکلی نوین از ارتباطات سایبری است که چند سالی می‌شود پا به عرصه گذاشته و بنا به نیاز جوامع، مورد استفاده قرار گرفته است. کارکردهای این شکل نوین تکنولوژی در جوامع در حال توسعه علاوه بر مزایایی که دارد، آسیب‌هایی هم در بر داشته است؛ برخی از صاحب‌نظران از آن به سطحی کردن و تهی‌سازی ذهنی مردم تعبیر می‌کنند تا جایی که خودسبب‌سازی بسیاری از آسیب‌ها و معضله‌های ریز و درشت دیگر در فضای اجتماعی جامعه شده است.

باید گفت شبکه‌های اجتماعی که استقبال بسیار گسترده‌ای در سطح جامعه از آن می‌شود در کنار جنبه‌ها و فرصت‌های آموزشی و ارتباطی، عبور از مرزهای جغرافیایی و آشنایی با افراد، جوامع و فرهنگ‌های مختلف، رشد و تقویت خردجمعی و دیگر مزایایی که دارد با جنبه‌های منفی و مخربی هم مواجه است؛ چنانچه این فضا به راحتی عاملی برای شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب، تبلیغات ضددینی و القای شبهات، بی‌عتی و بی‌پندوباری و نقض حریم خصوصی افراد می‌شود و رفته‌رفته جامعه را به سمت تهی‌سازی ذهنی پیش می‌برد، تا صاحبان قدرتی که خود سازنده یا پیش‌برنده این فضا هستند با القای افکار و فرهنگ مورد نظرشان افسار جامعه را در دست بگیرند. جامعه‌شناسان معتقدند مهم‌ترین عامل برای نقش‌تخریبی شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه در جامعه ایرانی این است که این فضا بدون آموزش‌های بسیاری از افرادی که رشد فکری و آگاهی لازم را ندارند به راحتی در دام آسیب‌های پرشمرد از آن می‌افتند. اما چاره کار کجاست و چه باید کرد؟ «فرهنگستان» برای بررسی بیشتر این مهم‌های صحبت جامعه‌شناسان نشسته است.

دکتر امان... قرائی مقدم، جامعه‌شناس معتقد است که شبکه‌های اجتماعی در سطحی کردن و تهی‌سازی ذهنی جامعه نقش بسیاری بدیلی دارند چنانچه تمامی شئون و سبک زندگی تغییر کرده است و طرز تفکر و نوع نگرش به ازدواج و طلاق و حتی ورود به آسیب‌های اجتماعی از آن متأثر می‌شود.

شبکه‌های اجتماعی؛ شمشیر دو لبه
این جامعه‌شناس به «فرهنگستان» می‌گوید: «شبکه‌های اجتماعی حکم یک شمشیر دولبه را دارد که یک‌لبه آن قرارداد اطلاعات جهانی است و حد و مرزها را می‌شکند که این بحث کاملاً مفید و از طرفی انقلاب‌ساز است و دگرگونی‌های بنیادی به‌وجود می‌آورد.»

وی عنوان می‌کند: «با این فضای مجازی نمی‌شود شوخی کرد چرا که دیوارها را فروریخته و به درون خانه‌ها آمده است و روابط معنوی را به سمت روابط موزائیکی برده، زندگی عادی را به هم ریخته و آرزوها و خواسته‌ها را افزایش داده است و نگرش را نسبت به باورهای ملی، دینی و مذهبی تغییر داده و حتی پوشش و آرایش جامعه را عوض کرده و سبک زندگی را کلاً دگرگون ساخته است.»

قرائی مقدم با بیان اینکه این فضا بدون آموزش‌های فرهنگی وارد عرصه ارتباطات ایرانی شده و از این منظر آسیب‌رسان نیز بوده که تقصیر خود مسئولان است، ادامه می‌دهد: «باید پیش از این فکرش را می‌کردند. در حالی که ۵۰ یا ۶۰ سال پیش که جامعه‌شناسان صحبت از دهکده جهانی کردند، کره، ژاپن و حتی هند و چین به فکر افتادند و تمهیداتی از لحاظ آموزشی در کتاب‌های درسی و آگاهی بخشی در خصوص استفاده از فضای مجازی مطرح کردند لذا این دیگر تقصیر مردم نیست وقتی نه در کتاب‌های درسی ما و نه در برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌های دیگر نحوه استفاده صحیح از فضای مجازی و آسیب‌های آن آموزش داده نشده و مردم آگاه نشده‌اند.»

قرائی مقدم با بیان اینکه اگر اقتصاد شکوفانی شود و حقوق‌های نجومی هنوز هم پرداخت می‌شود به سبب عدم اعتماد است، می‌افزاید: «مسئولان نمی‌خواهند این را قبول کنند که وقتی اعتماد مردم ضعیف می‌شود؛ به بودجه، اقتصاد، افزایش کار، رشد و شکوفایی و آمار و ارقامی هم که عنوان می‌شود اعتمادی ندارند و این سبب شده که مردم ناامید باشند. بی‌اعتمادی مهم‌ترین عنصری است که باعث گسست در جامعه می‌شود چرا که اعتماد سرمایه اجتماعی پیوند دهنده است.»

دکتر نادر صادقیان، جامعه‌شناس هم به «فرهنگستان» می‌گوید: «برای بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در سطحی‌سازی ذهنی عامه مردم باید دید کارکردهای رسانه به‌طور عمومی از جمله فضای مجازی چیست و کدام بخشش نازل به این می‌بشود یعنی اگر بخواهیم کارکردهای رسانه را فقط به سطحی‌شدن و سرگرم کردن کاهش ندهیم و کارکردهای دیگر آن را هم مدنظر داشته باشیم، باید گفت این فضا کارکردهای آموزشی، اطلاع‌رسانی و خبری هم دارد بنابراین یک بحث دو سویه است و تنها رسانه که بخشی تعاملی است را نباید دید.»

وی بر این باور است که متأسفانه فقط رسانه‌های مجازی



نقش سطحی‌سازی ندارند و ادامه می‌دهد: «رسانه‌های رسمی هم گاهی این بحث را دارند و خیلی سطحی با موضوعات برخورد می‌کنند، چنانچه چند نفر مجری و روزشکار را می‌آورند و مدت‌ها هم آنها را در اوج نگه می‌دارند و از آن طرف هم می‌بینید خبری از دانشمندان و فرهیختگان و محققان در چنین جایگاهی نیست.»

جای خالی نشاط

صادقیان می‌گوید: «علت اصلی این امر هم این است که مقوله سرگرمی و تفریح و خیلی از نیازهای مردم از جمله شادی و نشاط در حوزه رسانه‌های رسمی و داخلی کمتر تامین می‌شود بر همین اساس در حوزه رسانه مجازی چون کمتر کنترل‌پذیر است، متجلی می‌شود که بخشی هم مباحث خیلی سطحی است و جامعه را به سمت سطحی‌سازی ذهنی پیش می‌برد.»

وی معتقد است: «شبکه‌های اجتماعی جنبه تخریبی هم دارد چرا که رسانه‌های رسمی و فضای واقعی نمی‌توانند بخشی از نیازهای مخاطب را در حد لازم تامین کنند لذا این حوزه چون کنترل‌پذیر نیست، متمرکز می‌شود و این قطعاً جنبه تخریبی هم می‌گیرد یعنی فقط در آموزش متمرکز نیست بلکه نیازهایی که مخاطب باید در فضای زندگی واقعی مانند نشاط و تفریح و سرگرمی به معنای درست را دریافت کند در اینجا متمرکز می‌شود و چون با منع بسیاری مواجه است جنبه تخریبی به‌خود می‌گیرد.»



شبکه‌های اجتماعی جنبه تخریبی هم دارد چرا که رسانه‌های رسمی و فضای واقعی نمی‌توانند بخشی از نیازهای مخاطب را در حد لازم تامین کنند لذا در این حوزه چون کنترل‌پذیر نیست، متمرکز می‌شود و این قطعاً جنبه تخریبی هم می‌گیرد

می‌کند، می‌داند و می‌گوید: «راهش این است که ما توان، کیفیت و جذابیت کار را بالا ببریم نه اینکه به سمت حذف برویم.» دکتر سیفا... سیفا الهی، جامعه‌شناس با بیان اینکه تکنولوژی ذاتاً بد نیست به «فرهنگستان» می‌گوید: «شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تکنولوژی جدید و اثرگذار در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و فردی افراد است و این استفاده مطلوب و نامطلوب است که اثرات مختلف آن را از سطحی‌سازی تا نقش ارتباطی و آموزشی آن نشان می‌دهد.»

وی عنوان می‌کند: «شبکه‌های اجتماعی و رسانه جمعی نیاز امروز بشهر است و اختراع شده تا با استفاده بهینه زندگی را راحت‌تر، ارتباطات را سریع‌تر و نزدیک‌تر و از اتلاف وقت جلوگیری کند و به قول جامعه‌شناسان این دهکده جهانی، کشورهای و انسان‌ها را به هم نزدیک کرده است. این ابزار و دانش فنی مال کسانی است که آن را اختراع کرده‌اند تا نیاز خود و دیگر جوامع را برطرف کنند و حال دست یک‌سری کشورهای توسعه‌نیافته افتاده است. این امر نبود آموزش‌های لازم برای استفاده بهینه آن سبب شده مردم استفاده‌های دیگری از آن داشته باشند و مدیریت هم برای سرپوش گذاشتن روی خیلی چیزها خود استفاده‌های دیگری از آن بکنند و مشکل هم اینجا است.»

از سلب تا راهسازی

این جامعه‌شناس با تاکید بر آسیب‌هایی که این فضا می‌تواند بگذارد یا نگذارد می‌گوید: «این فضا چون مطابق نیاز مانده و ما تنها مصرف‌کننده‌ای هستیم که راه درست استفاده از آن را هم بلد نیستیم گاهی آسیب‌زا بوده و مهم‌ترینش همان سطحی‌سازی افکار و اعتقادات است.» سیفا الهی می‌گوید: «از دیگر پیامدهای توسعه نامتوازن و ناقص هم همین مواردی است که اکنون در جامعه به وفور دیده می‌شود که می‌توان از افسردگی و ناامیدی نام برد، بنابراین باید فکری اساسی کرد که چطور باید پیش برویم تا به آن مرحله برسیم که جامعه با فرهنگ و دانش و پیش‌لازم از دستاوردهای بشر استفاده بهینه کند. در این میان برخی از کشورهای جهان هم که صاحب قدرت هستند فرهنگ مورد نظر خود را از طریق این ابزارها به دیگر جوامع تزریق و تبلیغ می‌کنند اما اگر افراد آگاه باشند و به آن رشد و بلوغ فکری لازم رسیده باشند تأثیر‌پذیری چندانی نخواهند داشت.»

این استاد دانشگاه با بیان اینکه ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مبتنی بر حقوق و تکالیف شهروندی است، ادامه می‌دهد: «مسئله حق و تکالیف داریم آیا دولت به وظایف و تکالیفش آشناست و آن را انجام می‌دهد یا نه؟ آیا مردم به حق و حقوق‌شان می‌رسند و به تکالیف خود هم عمل می‌کنند یا خیر؟ اینجا مشکل داریم چرا که نه دولت به درستی به وظایفش عمل می‌کند و نه مردم به حق و حقوق خود نرسیده‌اند باید باز تاکید کنیم این از پیامدهای توسعه ناپایدار است و سبب می‌شود که نفوذپذیری می‌شویم و از طرفی فسرار مغزها و مهاجرت‌ها هم به دلیل عدم ثباتی که در جامعه وجود دارد، تسریع می‌شود. بر همین اساس باید توسعه‌اندیشانه بود و راهبردی استراتژیک و کاربردی و توسعه‌ای داشته باشیم تا بتوانیم در مقابل این تهاجم و امواج صادره، مقاومت یا به آن همسو شده و استفاده بهینه کنیم.»

شهرداران «پای‌تخت-۱»

جذابیت شهری که دیگر «شهر» نیست

اهالی تهران بودند. آب جوی «ولی عصر» به این شهر طراوت می‌داد و تا میانه شهر صدایش گوش‌نواز بود. با صدای آب، کمتر صدای آهن‌پاره‌ها به گوش شهروندان می‌رسید.

تنها اتوبان‌های آن زمان محصول دوران پیشین بود. «پارک وی» و رینگ شمال-جنوب بود. از توجید به بالا می‌رفت و دوباره از بالای شهر به پایین می‌آمد. اگرچه دیگر قطعاتی به اسم اتوبان در شهر پدید آمده بود؛ افسریه، محمدعلی جناح، بعثت و رسالت. اما از لحاظ ساختاری و زیرساخت، ضعیف بودند. کل شهر با هشت پل هوایی فلزی که خارجی‌ها آورده بودند با پیچ‌ومهره به هم وصل بود. پل چوبی، کالج، دروازه دولت، کریم‌خان، گیسا، اکباتان و دو پل بلند در حافظ و البته یک پل زیرزمینی و یک پل بتونی و چند پل غیرمسطح روی بزرگراه‌های اصلی، از خدمات دوران پهلوی دوم در تهران بود. چند پارک هم دست‌نورد آنها بود که در دهه ۶۰ به آن افزوده نشد؛ ساعی، ملت، نیواران در شمال، بعثت در جنوب، ارم در غرب و سرخه‌حصار و لویزان در شرق. اینها تمام حرکت عمرانی شهرداری دوران محمدرضا پهلوی در این شهر بود.

آن دوران ناصری «دارالفنون» یادگار میرزا تقی‌خان در ضلع جنوبی میدان مرکزی شهر از معرض دید همگان مخفی بود. دارالفنون که عمر «امیر» در دنیا نبود تا نمره تلاش خود را ببیند. پیش از آن که کسی خبردار شود، رگ حیات ملتی را در حمام فین کاشان زدند. دارالفنون دهه ۶۰ بسیار نزدیک‌تر از آن چیزی بود که امیرکبیر آن را بنا کرد و تقریباً تمام جنوب میدان توپخانه را شامل می‌شد و عرصه تاخت و تاز سواران بود و مشق جنگ می‌کردند. معضل دوران ابتدایی انقلاب، تنها مهاجرت بود و از ترافیک، آلودگی، زلزله و گسسل‌های بزرگ تهران خبری در میان نبود.

گهگاهی صحبت از فوران آتشفشان دماوند می‌شد اما بیشتر به افسانه شبیه بود تا واقعیت. از قصه‌های مادر بزرگ‌ها می‌گفتند که بالا رفتن دود از قله دماوند را دیده بودند. این قصه‌ها از دوران آغامحمد خان است که دهان به دهان به این زمان رسیده بود. ترس آن بود که گدازه‌ها به شهر برسند و از شهر هیچ باقی نگذارند.

آن زمان اغلب رفتارکن شهرداری و کارگران فصلی از آذری‌ها تشکیل شده بود که محصول مهاجرت از این مناطق به تهران بود. آنها همراه خانواده در مناطق جنوبی شهر ساکن شدند. خانی‌آباد، نازی‌آباد و یاخچی‌آباد را آباد کردند و همان‌جا ماندگار شدند تا آنکه جنگ به پایان رسید.

مدیرا قاضی
روزنامه‌نگار

در بحبوحه انقلاب اسلامی، جواد شهرستانی شهردار تهران شد؛ او از جمله نخستین مسئولان طاغوتی بود که انقلاب را به رسمیت شناخت و بلافاصله استعفا داد. روزنامه‌های آن زمان نوشتند که جواد شهرستانی با حکم آیت‌... خمینی در مقام خود ابقا شد؛ اگرچه مسئولیت او چندان دوام نیافت. تهران بعد از شهرستانی، هفت شهردار دیگر به خود دید؛ محمد توسلی، سیدرضا زواره‌ای، کمال الدین نیک‌روش، غلامحسین دلجو و محمد کاظم سفیانی، بنسبت‌کنکار که هر یک چند ماهی شهردار تهران بودند و دوام نیاوردند تا اینکه نوبت به «محمدنبی حبیبی» رسید.

در زمانی که روستائونشینان در مهاجرتی گسترده به پایتخت سرازیر می‌شدند، شهرداران ماموریت داشتند تا از جذابیت شهر تهران در برابر روستاها بکاهند و به‌نوعی در مقابل مهاجرت گسترده به شهر بایستند. بدین‌گونه شهرداری دهه ۶۰ پایتخت به «زناله جمع‌کن» تبدیل شد.

در دوران هفت شهردار دهه ۶۰، در شهر ساخت‌وساز چندانی صورت نگرفت. اگرچه جنگ هم در این میان دخیل بود تا سیمای شهر تغییر چندانی نکند. در دوران مسئولیت آنها هیچ بزرگراهی ساخته نشد. شهر به‌شدت افقی گسترده شد. زمین‌های بایر درون شهر به «خانواده گستران» تعلق گرفت. شهرداری دهه ۶۰ بدون دریافت عوارض چندانی از شهروندان، بودجه اضافی هم داشت؛ هزینه‌اندک خدمات شهرداری هم از مردم دریافت می‌شد. عملیات سراسری رنگ کردن کرکره‌ها اوج اقدامات آن دوران بود!

خیابان‌ها تقریباً بدون دست‌خوردگی ماندند. گهگاهی آسفالت شدند و تنها خیابان‌های اصلی جدول‌بندی و خط‌کشی شدند. حتی سیستم جمع‌آوری زناله هم به همان شیوه پیش از انقلاب به‌صورت دستی از کوچه و محله جمع‌آوری شدند اما شهر آرزوهای ایرانیان هیچ‌گاه مهاجرت معکوس ندید.

آن زمان هنوز «آزادی» دروازه ورود شهر بود و «محمدعلی جناح» مرز غرب و «تهران‌پارس» دیوار شرق را شکل می‌داد. اما اراضی «عباس‌آباد» مثل کوهی میان تهران و شمیران خودنمایی می‌کرد. از طرح ترافیک و طرح زوج و فرد خبری نبود اما برای نخستین‌بار محدودیت خط ویژه در برخی خیابان‌ها گذاشته شد؛ اول «جمهوری» و بعد دیگر خیابان‌ها. کسی خبر از وارونگی هوانداشت. هرچه بود در ظاهر بود. آلودگی شهر با اتوبوس‌های فرسوده یک تومانی افزوده می‌شد و کارخانه‌هایی که رفته‌رفته به شهر نزدیک می‌شدند. هنوز اتوبوس‌های دوطبقه در شهر لاک‌پشتی مسافر منتقل می‌کردند و موجب شور و شغف شهروندان بودند. دود سیمان تهران، «بی‌بی‌شهربانو» باصفا را کم‌صفا نمی‌کرد. مشعل پالایشگاه هم مثل فانوس دریایی، شب‌ها به دریای تهران علامت می‌داد.

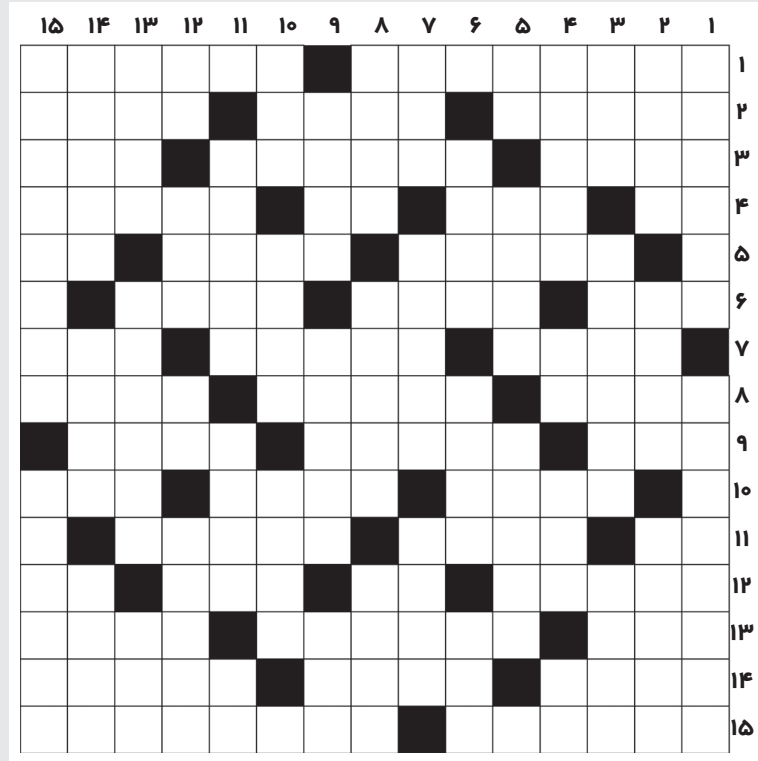
خودروسازها چندان تولید نداشتند که به خیابان‌های کم‌عرض فشار بیاورند. خودروی قاضی هم راه ورودی به کشور نداشت. اینجا محدودده شهری به‌ظاهر آرام و البته جذاب بود. تهران، گوارترین آب دنیا را داشت و چشم‌انداز البرز جذابیت آن را می‌افزود. سفیدی قله استوار «دماوند» در شمال شرق، قوت قلب شهروندان بود.

هنوز «دولاب» در قلب شهر، سبزی‌کاری بود و کوچه‌درختی و کوچه‌باغ داشت. باغ‌های بیلاقی کن، درکه و فرج‌راد برجای بودند. از تپه‌های لخت قیطریه و داودیه کل شهر زیر دیدگان بود. تفرجگاه شمال شهر، مردم دربند در مشکلات را می‌رساند. دو پارک جنگلی شرق تهران، گردش‌گاه

جدول کلمات متقاطع

افقی

۱- تمار - خواب خوش ۲- فرقه عربستان - گل شهیدان - پایتخت برو ۳- فراگیرنده - متدین - آقا ۴- لحنه کوتاه - آشنایان مرغ - میزان عمر - منطقه تفریحی کرج ۵- کو - از سایت‌های معروف اینترنتی - ضمیر وزنی ۶- روغن فرفری - گاز مراب - آرامگاه ۷- بی‌یار و همدم - برف همراه با باد شدید - مادر ترک ۸- پایتخت افغانستان - از شهرهای آذربایجان غربی - جداکننده ۹- جریب - معلم دانشگاهی - دیگر و باقی چیزی ۱۰- جامه خشن - خدای هندوان - رودی در روسیه ۱۱- تصدیق انگلیسی - بیباک - پیش‌بیننده ۱۲- طرز و رفتار - مرغابی - لغزنده ۱۳- حیوانات اهلی ۱۴- پسوند شایهات - لانه پرنده - ابراه و گردونه ۱۴- لولای یا - زاج سیاه - دوستان ۱۵- عمومی - تدریجی

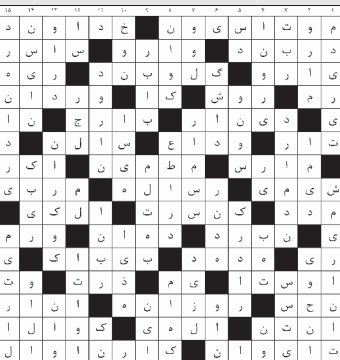


۲۲۵۵

عمودی

۱- خیرمقدم - خلبان انتحاری زاین ۲- شمرط - بستن - پرده‌در - بیماری سروصدا ۳- مادر وطن - پایتخت استرالیا - یک‌شمس ۴- شکر - دانه خوشبو - ظاهر ساختمان - کلام تعجب خانم‌ها ۵- قیمت بازاری - ویرگول - تهمت ۶- صبح غیراکتسابی - دریاب - دهان جنین ۱۰- ارزش و قیمت - زندها خواستن - کوی و برزن ۱۱- دزد سرگردنه - از انواع خط - یک عامیانه ۱۲- ضعیف و سست - جدا از هم - ضمیر جمع - دراز و طولانی ۱۳- سخن به رمز و اشاره - از توابع گنبد کاووس - موسیقی کودکان ۱۴- از شهرهای اصفهان - توان و قدرت - برگ که پهادار ۱۵- اصطلاحی در ورزش کشتی - نوعی میمون

۲۲۵۴



تماس با اینستاگرام: @farhikhtegandaily

فرهنگستان

ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید